



پیشانی
پیشانی

و

مریم نور بخش ماسوله

دانشجویی نقش حساس و مهمی را ایفا کرده است. چرا که با وجود مشکلاتی که طی این سال‌ها در درون ساختار این جنبش که به گفته دکتر سیدهاشم آقاجری بخشی از جنبش روشنفکری است به وجود آمده است و موجب شده تا به نوعی رکود دچار شود، اما در رخداددهای سال‌های اخیر و به خصوص پس از دوم خرداد حضور فعال و چشمگیری داشته است. اگر چه فشارها، حملات و بی‌حرمتی‌های زیادی را نسبت به دانشجوی و دانشگاه به چشم دیده است، اما اینان که جمعی از جوانان فرهیخته کشور هستند، با وجود تمامی موانع همواره نظر خود را نسبت به رخدادها و حوادث سیاسی و اجتماعی بیان داشته‌اند، اگر چه در این راه هزینه‌های فراوانی را پرداخته‌اند. طی ماه‌های آتی همان گونه که اشاره شد، انتخابات ریاست جمهوری را در پیش خواهیم داشت. انتخاباتی که از هم اکنون رایزنی‌ها بر سر تصرف و پیروزی بر رقیب میان داوطلبان آغاز شده است. گویی بعضی با دور خیزهایشان می‌خواهند تا برنده این میدان بوده و با پایان یافتن آن رو به افول رود. دموکراسی و بیشتر اصلاحات پروسه‌ای است که یک شبه به بار نمی‌نشیند که راه دراز و طولانی را در پیش رو دارد. در این میان جنبش

«دموکراسی» از صد سال پیش یعنی از هنگام مشروطیت تاکنون هدف نهایی مردم ما بوده و هرگز فراموش نخواهد شد. هر چند عملی شدن آن سال‌ها به طول بینجامد. دموکراسی امری نیست که با پیاده شدن اصلاحات درون نظام که اصطلاحاً از بالا به

بند اول ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد هر شخصی حق دارد در اداره امور کشور خود مستقیماً یا به واسطه نمایندگان که آزادانه انتخاب شده‌اند، شرکت داشته باشد

پایین نامیده می‌شود، آغاز و با پایان یافتن آن رو به افول رود. دموکراسی و بیشتر اصلاحات پروسه‌ای است که یک شبه به بار نمی‌نشیند که راه دراز و طولانی را در پیش رو دارد. در این میان جنبش

اندکی کمتر از هشت ماه به برگزاری انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری باقی است. گزینشی که در دو دوره متوالی و با بیشترین آراء تکیه زدن بر کرسی ریاست جمهوری و به دست گرفتن سکان قوه مجریه را برای سید محمد خاتمی رقم زد. انتخابی که فراز و فرودهای بسیاری را برای خاتمی و همچنین ملت به همراه داشت و پس از سال‌ها واژه‌هایی همچون «جامعه مدنی»، «مردم‌سالاری»، «قانون‌مداری» و «دموکراسی» را به یاد حافظه تاریخی ملت ما آورد. واژه‌هایی که جلالت تحقق یافتن شان سال‌هاست که افراد جامعه را به انتظار خود نگاه داشته است. واژه‌هایی که فرصت متحقق شدن را نشانده و در حد آرزو و آمال باقی ماندند. زیرا آنچه که خاتمی آن را اصلاحات نامیده از یک سو به دلیل فشارها و کارشکنی‌های فراوان اقتدارگرایان که همیشه خواهان حفظ وضع موجود به نفع خود هستند، و از دیگر سو به علت نداشتن استراتژی و راهکاری اصولی از سوی بعضی از اصلاح‌طلبان، به بار نشست. اگر چه جناح محافظه‌کار عملی شدن این آرمان‌ها را برتابید و در این راه از هیچ کوششی کوتاهی نکرد، اما با مروری کوتاه به تاریخ معاصر ایران، می‌توان به یاد آورد که

اکنون بر سر کاندیداها شور و مشورت‌های فراوانی را شروع کرده است. تا آنچه را که یکدست شدن حاکمیت می‌نامد به منصف ظهور برساند. اما این پیش از این همان مردم جامعه را به خود مشغول ساخته است که این انتخابات تا چه حد از اقبال ملت برخوردار خواهد شد و چه کسی رییس جمهور آینده می‌شود؟ جایش دانشجویی در این میانه وظیفه‌اش چیست و چه می‌گوید؟ چگونه می‌خواهد ایفای نقش کند؟ مهدی حبیبی عضو انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر در پاسخ به این پرسش که در فضای جدید انتخابات چگونه برگزار خواهد شد؟ می‌گوید: در شرایط کشور ما به خصوص پس از آن که شاهد بودیم که اصلاحات با تماریفی که آقای خاتمی در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۴ بیان داشته به حد نهایی کار گردش رسیده و آن موج امیدی که در جامعه بین جوانان، روشنفکران و دانشگاهیان جهت اصلاح ساختار حاکم و روش‌ها از سوی حاکمیت متأسفانه به بن‌بست رسید و عملاً رییس جمهوری نتوانست آن انتظارات را برآورده سازد. این شرایط به نظر من متأثر از به بن‌بست رسیدن اصلاحات درون ساختار است که موجب شده موج یاس و انفعالی را به فضای جامعه ما تحمیل کند. انتخابات ریاست جمهوری را خارج از این مقوله نمی‌توان بررسی کرد. زیرا در بین افراد جامعه ما این تفکر که رای‌شان تأثیرگذار است از میان رفته و تا هنگامی که مردم به موثر بودن رای خود پی نبرند انتخابات مفهومی ندارد. از سویی دیگر رییس جمهوری برای مردم تعریف نشده است. یعنی در این ساختار می‌خواهد چه کند؟ چه مطالباتی را و تا چه میزان می‌تواند پاسخگو باشد؟ آیا علی‌رغم آن که در قانون اساسی، نفر دوم مملکت است در درون ساختار واقعی قدرت نیز نفر دوم است؟ تا چه حد می‌تواند شعار بدهد و همچنین به مطالبات مردم جامعه رسیدگی کند؟ اینها مسائلی است که افراد جامعه ما هنوز در باره آنها ابهام‌های جدی دارند.

در بند اول ماده ۲۱ اعلامیه حقوق بشر آمده است: "هر شخصی حق دارد که در اداره امور کشور خود، مستقیماً یا به وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید."

مهدی حبیبی در تعریفی از انتخابات

می‌افزاید: انتخابات به چه معناست؟ آیا مراد ما از انتخابات همان است که در همه جای دنیا برگزار می‌شود؟ بدان معنی که آزادی در آن تامین باشند. من معتقدم که دو پارامتر باید در انتخابات دخیل باشد: اول آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن است و دوم تأثیرگذار بودن انتخابات است. یعنی مادامی که این دو مولفه وجود نداشته باشد اساساً فلسفه انتخابات زیر سوال می‌رود. متأسفانه ما در نظام جمهوری اسلامی، در هیچ انتخاباتی این دو پارامتر را نداشتیم.

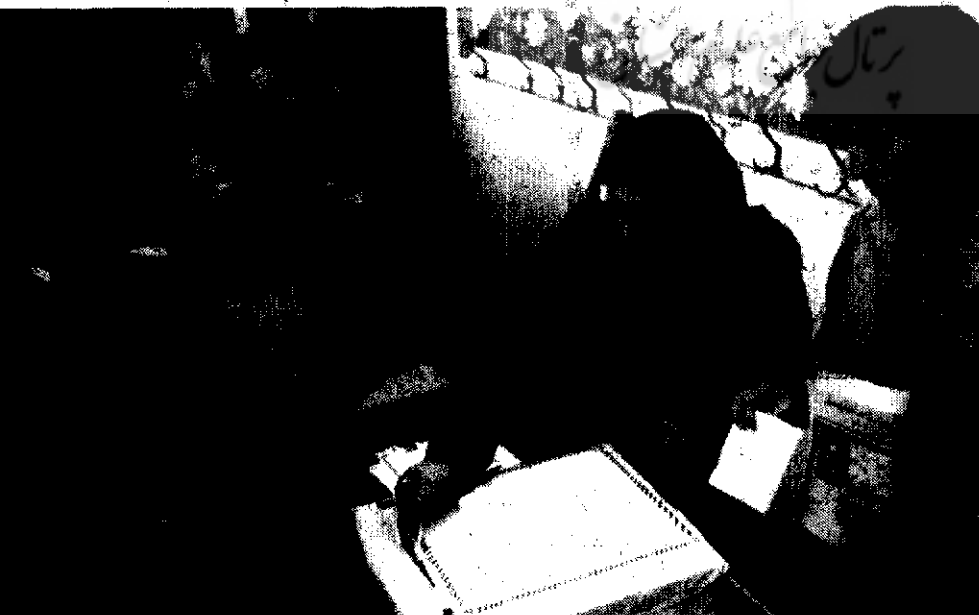
وی همچنین پروژه یکدست شدن حاکمیت را توسط بخش اقتدارگرای حاکمیت و جریان محافظه‌کار یکی از برنامه‌هایی ذکر می‌کند که این گروه بنیان دست‌های اینها در قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه اختلالی وجود نداشته باشد و از دل حاکمیت صدایی دیگر بیرون نیاید یعنی آن صدای مردم نباشد. در انتخابات مجلس هم این مساله را به وضوح دیدیم. انتخابات هدفمندی که از پیش مشخص بود چه کسانی باید به عنوان نماینده در مجلس حضور داشته باشند. اکنون نیز همین پروژه مد نظرشان است.

مولفه‌های داخلی و خارجی تا چه حد می‌تواند بر روند انتخابات تأثیرگذار باشد؟ مهدی باقری دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده اقتصاد علامه، عرصه سیاسی را عرصه فعالیت و تعامل متقابل بازیگران مختلف می‌داند و اظهار می‌دارد: "نحوه اثرگذاری این مولفه‌ها آن فضا را ایجاد

می‌کند. شب‌ساز آن نیز فضای انتخاباتی است که هر یک از عواملی که اعم از داخلی، خارجی، مثبت و یا منفی که اثرگذاری بیشتری داشته باشند می‌توانند فضا را به آن سمت و سو سوق بدهند. بنابراین تا این شرایط نمی‌توان از هم‌اکنون فضای انتخابات را پیش‌بینی نمود. زیرا میزان اثرگذاری آن پارامترها شفاف و مشخص نیست."

وی در ادامه یادآور می‌شود: "در حال حاضر دموکراسی خواهی با وجود تمام برخوردها یک روند فراملی است و جامعه ایران هم در یک قرن گذشته نشان داده که یکی از کشورهای پیشرو در بحث پیگیری حق تعیین سرنوشت برای ملت بوده است و مسلماً این جریان، جریانی نیست که قابل توقف و متوقف کردن باشد. در این میان مهم‌ترین وظیفه فعالان اجتماعی، سیاسی و رسالت‌شان، آگاهی بخشی و تلاش در جهت مطلع کردن به حقوق خودشان و ایجاد بستر مناسبی جهت پیگیری منطقی مطالبات ملت است. در فضای فعلی رسالت مضاعفه جلوگیری از تسلط یاس و ناامیدی است که جامعه را در بر گرفته."

انتخابات بهار سال ۸۴ که نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را برای ما رقم می‌زند از هم‌اکنون حس و گمان‌هایی را در داخل و یا چه بسا در خارج از کشور جهت انتخاب رییس جمهوری آینده به همراه داشته است. اما آنچه مسلم است و بسیاری از افراد بر آن پای می‌فشارند این که فضای انتخابات ریاست جمهوری، همچون انتخابات





مجلس هفتم غیر رقابتی است که تنها شرکت کنندگان در این مسابقه و برندگان آن جناح راست خواهند بود. ایمان امیر تیمور مسوول واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، انتخابات ریاست جمهوری را مانند انتخابات مجلس هفتم در فضایی غیر رقابتی و غیرآزاد با کاندیدایی که از پیش تعیین شده است می خواند و ابراز می دارد: "ما ازین پس شاهد فضایی بسته به لحاظ سیاسی و فرهنگی خواهیم بود و فشارهای اقتدارگرایان بر نهادها و فعالین سیاسی، اجتماعی منتقد به قصد هدم کامل آنها افزایش خواهد یافت. نشانه های وقوع این مساله در حال حاضر به وضوح قابل رویت است و در صورتی که عاملین اصلی جریان دموکراسی خواهی از اعمال وظیفه کوتاهی نکنند، توفقی برای این جریان متصور نمی توان شد."

وی همچنین وظیفه فعالان منافع دموکراسی را در وضعیت کنونی، انجام روشنگری در بین توده ها به منظور تبیین نارسایی های موجود و یادآوری حقوق اولیه مردم از جمله حق تعیین سرنوشت ذکر کرده و خاطر نشان می سازد: "این مرحله به منزله گام ابتدایی و محرک برای اقدامات موثر ضد سلطه و رهایی بخش محسوب می شود" اصلاحات و اصلاح طلبی چیست؟ این پروسه که در یکصد سال گذشته گاهی در بوته آزمایش مردم، قرار گرفته است آیا در حال حاضر به پایان رسیده است؟

امیر تیمور پاسخ می دهد: در صورتی که اصلاحات تنها به معنای اعتقاد به تحول و تغییر در ساختار سیاسی، حقوقی حاکم ارزیابی شود، اصلاح طلبی و اصلاحات را جریانی پایان یافته می بینم."

امیر عباس فخرآورد از فعالین جنبش دانشجویی، نیز پروژه اصلاحات را تمام شده تلقی می کند و تاکید می کند: "برای انجام یک پروژه باید دید آیا ظرفیت اجرای آن وجود دارد یا خیر". این دانشجوی حقوق در ادامه متذکر می شود "در وضعیت کنونی جناح راسته البته با ریزش خیلی زیاد، رای سنتی خود را می آورد و مردم مجدداً با انتخابات قهر می کنند، که لازم به ذکر است که جناح اقتدارگرا به رای مردم اعتقادی ندارد و معتقد است که حکومت مستقیماً از سوی خداوند به افراد داده می شود و نیازی به رای و تایید مردم نیست."

همان گونه که چندی پیش یکی از دانشجویانی که به نمایندگی از حزب موتلفه در یک مناظره دانشجویی شرکت جسته بود، این نظر را بیان داشت:

وی در پاره فضای پس از انتخابات، تصریح می کند: "بهرتر است فضای پیش از انتخابات را نگاه کنیم که عملاً مولفه های بازی به هیچ وجه وجود ندارد و همه تصمیمات در خارج از مرزها گرفته می شود. البته نه توسط اپوزیسیون خارج از کشور، بلکه بدست قدرت های بزرگ و اجماع مردم دنیا می خواهند در دنیای امن تری زندگی کنند. من تصور می کنم به همین علت قبل و پس از انتخابات تفاوت چندانی با هم ندارد."

در اولین ماده از اعلامیه جهانی حقوق بشر می خوانیم: "تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه برادرانه رفتار کنند." رفتارهای ناقض حقوق بشر، سلب آزادی حق انتخاب از مردم که سرنوشت خود و کشورشان را تعیین می کنند، به نام آزادی بیان و حق انتخاب را چه می توان نامید؟ دارا بودن این حق برای افراد جامعه از اصول اولیه و مسلم حقوق بشر به شمار می رود. پیش از آن هم در دین مبین اسلام بارها بدان اشاره شده است. در نهج البلاغه آمده است: چنان که امیر مومنان حضرت علی (ع) در نامه ای که به مالک اشتر نخعی نوشت تا او را به حکومت مصر بگمارد، فرمود: "مالک!

بدان که من تو را به شهرهایی می فرستم که دستخوش دگرگونی ها گردیده گاه داد و گاهی ستم دیده و مردم در کارهای تو چنان می نگرند که تو در کارهای والیان پیش از خود می نگری، و در باره تو آن می گویند که در باره آنان می گویی و نیکوکاران را به نام نیکی توان شناخت که خدا از ایشان بر زبان های بندگانش جاری ساخت."

در جایی دیگر از این نامه که بهتر و کامل ترین شیوه حکومت را می آموزد می خوانیم: "باید از کارها آن را که بیشتر دوست داری که نه از حق بگذرد، و نه فرو ماند و عدالت را فراگیرتر بود و رعیت را دلیزتر، که ناخشنودی همگان، خشنودی نزدیکان را بی اثر گرداند."

پیمان عارف دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، دو نگاه کلان را نسبت به مقوله دموکراسی بیان می کند: "گاهی می گوید دموکراسی روش است و به دموکراسی به مثابه روش می نگرد. که حاصل آن، این است که ما می توانیم دموکراسی را به مکانیزم تغییر دهیم. مکانیزم و روشی به نام انتخابات یعنی نگاهی فروکاهنده. زیرا دموکراسی به انتخابات تقلیل می یابد. اما دیدگاه دیگر، دموکراسی را محتوا می داند که در آن صورت دموکراسی قابل تغییر به انتخابات نیست. بلکه دارای محتواست که در آن مولفه های شکل گیری جامعه مدنی و نهادهای مدنی به مانند سنگرهای مقاومت در مقابل قدرت و سلطه نهادهای دولت، نقش تعیین کننده ای دارد."

کنش گری اجتماعی و به واقع میزان مشارکت گرای شهروندان در تعیین سرنوشت شان نه به شکل خودخواهانه و تودمائی بی سامان و سازمان بلکه به صورت نگاه مشارکتی و مشارکتی به مشارکت است. در نگاه دموکراسی به معنای محتوا و ساخت قدرت مشارکت و هر کتا آن با فرهنگ سیاسی مشارکتی سخن به میان می رود. بحث بر سر آن است که از نظر نگاه دوم که دموکراسی را از دید محتوا می شناسد. امکان فرو کاستن آن به انتخابات وجود ندارد.

این فعال، جنبش دانشجویی جامعه ای را دموکراتیک می نامد که در آن باید از جامعه مدنی، نهادهای مدنی، بازار وسیع و جامعه مدنی اقتصادی مستحکم و اقتصاد آزاد بتوان سخن به میان آورد و تازای یک قدرت حداقلی بود و از یک دولت حافظ امنیت (شیرگرد) صحبت کرد. عارف می افزاید: در این راستا باید به فرهنگ سیاسی مشارکتی و مشارکت گرای شهروندان در امور و سرنوشت اجتماعی و سیاسی خودشان، اشاره کرد.

عارف همچنین انتخابات را تنها شاخص و ساختار سیاسی در یک جامعه دموکراتیک نمی داند که یک سازوکار و یکی از ویژگی های ساخت سیاسی و دموکراسی می شناسد نه همه آن و به طور کلی معتقد است بخشی از دموکراسی خود را در انتخابات آزاد نشان می دهد و آنچه که در ایران مشاهده می شود با شاخصه های انتخابات آزاد فاصله های زیادی دارد. انتخابات و رفتارها و عملکردهای سیاسی در یک کشور، سرنوشت آن را برای تک تک اعضای جامعه پی می ریزد. بنابراین باید همگان در آن سهیم باشند. نه آن که توسط بخشی از حاکمیت انتصابی صورت گیرد و جامعه آن را بپذیرد.

سعید حبیبی دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس مشارکت مردم را همچون انتخابات مجلس هفتم، اندک توصیف کرده و اظهار می دارد: "علی القاعده مشارکت کم خواهد بود و این مساله سبب می شود تا جنبش دانشجویی موضع گیری مشخصی داشته باشد. در حقیقت درصد آرا ریخته شده به صندوق ها که کاهش پیدا می کند، پیامی را با خود به همراه خواهد داشت. نتیجه دیگر آن، قرار گرفتن یکی از محافظه کاران بر مسند ریاست جمهوری است که در فضای فعلی من تصور می کنم نه تنها مشکلات

سیاسی افزون تر می شود که مشکلات اقتصادی نیز فزونی می یابد. اصلاحات با این تفکر که می گوید اگر گانه یابی از جناح محافظه کار، بهرگز شود. فضای سیاسی تنگ می گردد اما فضای اجتماعی گسترده خواهد شد، چرا که من فکر می کنم در همه موارد (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) ما با بحران و محدودیت های سنگین مواجه خواهیم بود.

این عضو انجمن اسلامی دانشگاه تربیت مدرس در این میان وظیفه فعالان سیاسی را نقد رادیکال جامعه و نظام سیاسی دانسته و آن را این گونه ارزیابی می کند: "تاکنون گروه های سیاسی یا

**اصلاحات خاتمی
به دلیل کار شکنی
اقتدار گرایان و فقدان
استراتژی اصلاح طلبان
به بار نشست**

دانشجویان به دنبال نقد قدرت بودند که یکی از استراتژی های دفتر تحکیم، نقد قدرت است. اما آنچه که من پیشنهاد می کنم، امروز پس از گذشت ۲۵ سال در رابطه با نقد قدرت باید به ریشه ها پرداخت. تاکنون هنگامی که گروه های سیاسی می خواستند در مقام نقد بر بیایند، به این اشاره شده است که برای مثال شورای نگهبان سلیقه ای در رد صلاحیت ها عمل کرده است. در واقع مساله این است که در همه زمینه ها یعنی سیاست خارجی، اقتصاد، مسایل فرهنگی و اجتماعی و سیاست داخلی به نقد پرداخت.

حبیبی در بیان این که اصلاحات به پایان رسیده یا خیر؟ ابراز می دارد، اصلاحات اصولاً جریان رادیکالی نیست و به همین دلیل شکست خورد و به پایان رسید. دوم این که کار گزارانی که وارد عرصه اصلاحات شدند، کسانی نبودند که توان اصلاحاتی که خودشان ادعا کردند، داشته باشند. که از یک سو به عدم هماهنگی تشکیلاتی اطرافیان و مشخصاً - با تعبیری که در حال حاضر رایج است - اصلاح طلبان حکومتی بر می گردد. زیرا از آن جایی که این افراد خود از ابتدای انقلاب در عرصه سیاست

داخل بودند، در پاره ای از موارد آن گونه که تمایل داشتند نتوانستند گام های محکمی بردارند و از شمارها دفاع به عمل نیاوردند. روی هم رفته ضعف اصلاح طلبان موجب شد تا اصلاحات شکست بخورد.

وی در باره این که چرا مهندس مهرحسین موسوی پیشنهاد و دعوت به کاندیداتوری ریاست جمهوری را رد کرد، متذکر می شود: "زیرا برای فردی مانند مهندس موسوی، ۸ سال کفایت می کند تا به این نتیجه برسد که قادر به انجام کار است یا نه". اما این که جنبش دانشجویی چه نقشی را ایفا می کند و به انتخابات چگونه می اندیشد؟ نظر مهدی باقری آن است که دانشگاه و جنبش دانشجویی یک رسالت تاریخی به عنوان روشنگری را بر دوش خود احساس می کند و در این انتخابات هم مطمئناً جناز مواضع خاصی که خواهد داشت اعم از شرکت یا عدم شرکت باید سعی در شفاف کردن فضای انتخابات برای مردم و استفاده از فضای پیش از انتخابات، جهت بیان مطالبات و خواسته های مردم داشته باشد.

امیر عباس فخرآورد جریان تیر ماه سال ۷۸ را که جنبش دانشجویی به جناح اصلاح طلب تکیه کرد و در این میانه اصلاح طلبان از حداکثر امکانات استفاده نکردند تا حمایتی از دانشجویان به عمل آورند را ذکر کرده و اضافه می کند: "حالا اگر جناحی در حاکمیت وجود نداشته باشد ما تکلیف خود را با جناح رو در رو می دانیم و اعتماد به نفس جنبش بالاتر می رود و البته بخش بیشتری از خواسته ها و مطالبات مردم را مطرح و پیگیری می نمایم.

وی روح جنبش را دارای جایگاه مناسب و خوبی در میان مردم می داند و معتقد است که جسم آن با آسیب های زیادی مواجه شده است که پاس و ناامیدی بدترین آنها است.

پیمان عارف شکل گیری رفتار انوم را یکی از مولفه هایی می داند که موجب می شود تا افراد جامعه احساس کنند که جدی گرفته می شوند و رای آنها به رسمیت شناخته می شوند.

وی همچنین جنبش دانشجویی را خارج از استراتژی و روند کلی جامعه نمی داند و خاطر نشان می سازد: "جنبش دانشجویی هم به تبع روند کلی حاکم بر جامعه که روند انسداده و بی تفاوتی و عدم کنش گری در این ساختار است در این راستا گام بر می دارد.